



ترجمه مبانی تکملة المنهاج

(جلد اول)

مؤلف:

آیت... العظمی سید ابوالقاسم خوئی

مترجم:

علیرضا سعید

با دیباچه‌ای از:

حضرت آیت... دکتر عباسعلی عمید زنجانی

سرشناسه	خوئی، ابوالقاسم، ۱۲۷۸ - ۱۳۷۱.
عنوان قراردادی	تکملة المنهاج، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	ترجمه مبانی تکملة المنهاج / مؤلف سید ابوالقاسم خوئی؛ مترجم علیرضا سعید؛ با دیباچه ای از عباسعلی عمید زنجانی.
مشخصات نشر	تهران: خرسندی، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	ج ۱.
شابک	978-600-114-164-5
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	فتوهای شیعه - قرن ۱۴
موضوع	فقه جعفری - رساله عملیه
شناسه افزوده	سعید، علیرضا، مترجم
شناسه افزوده	عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۱۶ -، مقدمه نویس
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ۸۰۹۵۳ م ۹ خ / ۱۸۳ / ۹ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷ / ۳۴۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۲۸۶۴۸۰



انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین

خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی نژاد - نرسیده به

خیابان دانشگاه - پلاک ۱۷۴ - واحد ۲

تلفن ۵-۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵-۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

ترجمه مبانی تکملة المنهاج (جلد ۱)

مؤلف: آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی (ره)

مترجم: دکتر علیرضا سعید

ویراستار: خانم ل. مقدمی

با دیباچه: آیت الله دکتر عباسعلی عمید زنجانی

چاپ هشتم: ۱۳۹۴ - تیراز: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۵-۱۶۴-۱۱۴-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-600-114-164-5

دییاجه حضرت آیت... دکتر عباسعلی عمید زنجانی

کتاب **منهاج الصالحین** تألیف حضرت آیت الله العظمی مولانا السید ابوالقاسم الخوئی (قدس سره) هرچند در قالب رساله عملیه به زبان عربی تألیف گردیده لکن به لحاظ غنای ادبی و دقت علمی و عمق فقهی که دارد باید آن را در شمار متون فقهی ماندگار به حساب آورد. از آنجا که این اثر فقهی نفیس فاقد مباحث فقهی باب قضاء و شهادات و نیز باب حدود دیات و قصاص بود خود استاد به خاطر نیاز دوستاران کتاب منهاج الصالحین و سؤالات مکرری که از سوی علاقمندان در کشورهای اسلامی مجاور عراق به خدمت ایشان ارسال می شد شخصاً به رغم مشاغل و موانع فراوان تألیف **تکملة المنهاج** را در تدوین مسائل دو باب فقهی مذکور را بر عهده گرفته و کتاب منهاج الصالحین را تکمیل نمودند استاد قدس سره پس از پایان تکملة المنهاج بر آن شدند که مبانی فقهی مسائل تکملة را به گونه ای که شیوه فقه استدلالی است بر آن بیافزایند و بدین ترتیب **مبانی تکملة المنهاج** به عنوان یک کتاب مرجع برای حوزویان و کتاب درسی برای دانشجویان مقاطع عالی تحصیلات دانشگاهی انتشار یافت. خصوصیت دیگر این کتاب که آن را در میان آثار فقهی استاد رضوان الله علیه ممتاز نموده، آن است که تقریباً همه آثار فقهی بازمانده از حضرت استاد قدس سره توسط شاگردان به صورت تقریرات نوشته شده است، در حالی که کتاب مبانی تکملة المنهاج به ترتیبی که گفته شد توسط خود معظم له نگارش یافته است.

مبانی تکملة المنهاج هرچند موجز و فشرده بیان شده است و به همین دلیل چندان سهل الوصول نمی باشد، لکن حاوی عمده ترین ادله فقهی و مبانی علمی در هر کدام از مسائل ابواب قضاء، شهادات، حدود، دیات و قصاص می باشد. به طوری که در مقایسه با کتب استدلالی تفصیلی مانند **جواهر الکلام** معلوم می گردد که فقیه بزرگی چون **آیت الله خوئی** با علم و

آگاهی از همه جوانب مباحث فقهی و باگزينشی دقیق آنچه در استنباط نظرات فقهی دخیل و لازم بوده را در این کتاب آورده و از مباحث حاشیه‌ای و غیر ضرور چشم‌پوشی شده است.

این شیوه استدلال فقهی یا فقه استدلالی پس از دوران باشکوه بروز کتاب‌هائی چون **مفتاح الکرامه**، **مصباح الفقاهه** و **جواهر الکلام** و مکاسب که حجم فقه را در سطحی غیر قابل وصول برای طالبان اجتهاد مطرح می‌کرد، نخست توسط **صاحب عروة الوثقی** در تکملة آن ابداع گردید و مرحوم **سید محمد کاظم یزدی** با تبحر وصف‌ناپذیر فقهی مباحث تکمیلی عروة الوثقی را به صورت استدلالی موجز تألیف نمود و مرحوم **آیت‌الله سید محسن حکیم** در شرح عروة الوثقی تحت عنوان **مستدرک** این روش را تکمیل و راه جدیدی را به روی راهیان اجتهاد در پیمودن ابواب گسترده فقه گشود. و سرانجام این سبک نوینی که در مبانی تکملة المنهاج به نحو منقح و به دور از افراط و تفریط راه جدید اجتهاد را در عصر ما تبیین نمود. بی‌گمان اگر فقیه‌ی با استفاده از روش فقهی کتاب **مکاسب شیخ انصاری** بخواهد به مطالعه و تحقیق فقهی در همه ابواب فقه بپردازد و یا از روش فقهی **مصباح الفقاهه محقق همدانی** پیروی نماید مجلات چنین فقهی از یکصد جلد تجاوز می‌کند و عمر هیچ فقیه‌ی به آن کفاف نمی‌دهد. چنان‌که شیخ انصاری تنها به بسط فقهی کتاب الطهارة و کتاب المکاسب توفیق یافته و محقق همدانی در چند باب فقه عبادی چون طهارت، صلوٰه، صوم و زکات متوقف مانده است.

به هر حال روشی که حضرت استاد قدس سره در استدلال فقهی کتاب **مبانی تکملة المنهاج** به کار گرفته تنها راه اجتهاد و تدوین کتب فقه استدلالی در عصر ما است که انبساط مباحث فقهی از حد استدلال و ذکر مبانی اصلی گذشته و مباحث پیرامونی ادله اصلی را تحت الشعاع قرار داده است. از آنجا که دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته‌های حقوق نیاز به آشنائی با فقه استدلالی دارند، تنها شیوه کارآمد فقهی همان روشی است که در مبانی تکملة المنهاج مشاهده می‌شود و چه انتخاب خوبی بود که این کتاب به عنوان متن درسی در تحصیلات تکمیلی رشته حقوق جزا مورد استفاده قرار گرفت و در عداد کتب مرجع و درسی دانشگاهی برگزیده شد.

بی‌شک تألیف **مبانی تکملة المنهاج** با چنین روش ابداعی در شرائطی که ابواب فقهی آن به دور از عرصه‌های اجرائی بوده و استاد در اوج تلاش‌های علمی دروس فقهی و اصولی خود درگیر پاسخگویی به صدها نفر از فضلاء پویای راه اجتهاد و مشاغل مرجعیت شیعه در بلاد عربی و اسلامی در حوزه علمیه نجف اشرف بوده، اشعار به اهتمام خاص و عنایت ویژه به جایگاه این کتاب داشته است. اگر در آن زمان چنین اهتمام و عنایتی به وضوح درک نمی‌شد، لکن امروز برای ما فلسفه چنین کار علمی ماندگار و جایگاه بی‌بدیل آن واضح و مبین است. گوئی استاد به

رغم اشتغالات فراوان نیاز آیندگان را می دید که در دو عرصه اجرایی و علمی به چنین کتاب موجز و متقنی در ابواب قضاء و شهادت و حدود و دیات و قضاص سخت نیازمند خواهند بود. از توصیف کتاب و مقام والای علمی و فقهاتی مؤلف آن که بگذریم ذکر این نکته را شایسته می بینیم که هرگاه به فراز و نشیب عمر زودگذر خود فکر می کنم همواره دو مقطع نورانی و پر از نشاط و طراوت علمی و معنوی را به یاد می آورم که یکی از آن دو مربوط به دوره هشت ساله ای است که در محضر **استاد الفقهاء و المحققین حضرت آیت الله العظمی خوئی** قدس سره افتخار تلمذ نصیبم گردید. هم اکنون با یاد کتاب نفیس مبانی تکملة المنهاج که در موضوع خود کم نظیر بلکه بی نظیر است، شمیم آن خاطرات باشکوه و طراوت بخش صحنه های درس استاد در مسجد حضراء نجف اشرف همه وجودم را عطر آگین و مرغ بال شکسته و در قفسم را به حال و هوای پرواز در ملکوت علم وای می دارد...

در اینجا باید از جناب آقای علیرضا سعید صمیمانه تشکر نمایم که با ارائه ترجمه کتاب مبانی تکملة المنهاج مرا یک بار دیگر به یاد خاطرات گذشته دوران تلمذ در محضر حضرت استاد بازگردانید. سخنی که شایسته کتاب مبانی تکملة المنهاج باید گفت این است که جای این کتاب در میان محافل علمی و دانشگاهی خالی بود به ویژه در رشته حقوق جزا که نقش مؤثری در آشنا نمودن دانشجویان و اساتید این رشته با مبانی فقهی ایفا نموده است.

با وجود این باید اذعان نمود که رسیدن به همه مفاهیم عمیق این اثر ماندگار فقهی برای همگان میسر و چندان آسان نبود و جاداشت که شرحی مبسوط و مستدل و مستند بر آن نگاشته می شد این حال که چنین شرحی در دسترس قرار نگرفته نیاز مبرم به ترجمه آن نیز از آرزوهای دیرینه مشتاقان دانشگاهی این کتاب گرانقدر بود، که به همت والای جناب آقای سعید به نحو احسن انجام پذیرفته است. حقیر قسمت قابل توجهی از این ترجمه را مطالعه و بررسی نموده و تذکرات چندی در اختیار مترجم فاضل آن قرار دادم. اکنون مدعی آن نیستم که ترجمه کتابی چون مبانی تکملة المنهاج عاری از هرگونه نقص و ایراد است لکن می توانم به جرأت بگویم که ترجمه جناب آقای سعید می تواند دریچه های فهم محتوای عمیق کتاب را به روی جویندگان و مشتاقان فقه استدلالی جزا بگشاید و حتی فضلی آشنا به زبان عربی را در فهم کتاب مبانی تکملة المنهاج یاری نماید.

سخن را کوتاه کنم و با آرزوی موفقیت بیشتر مترجم فاضل در فعالیت های علمی این مقدمه کوتاه را به پایان ببرم.

بهمن ماه ۱۳۸۹

عباسعلی عمیدزنجانی

مقدمه مترجم

خواننده گرامی و اندیشمند کتابی را که پیش رو دارید ترجمه‌ای است از کتاب گرانسنگ و کم‌نظیر فقه استدلالی به نام «مبانی تکملة المنهاج» که بی‌شک دارای نواقص و اشکالاتی هم هست، اما برگ سبزی مذکور همین بس که مؤلف آن فقیهی بزرگ و اصولی‌ای عمیق و ژرف‌اندیش و مفسری نوآور، یعنی اسلامی و تشنگان فقه امامیه را از کوثر زلال معارف آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله - سیراب نمود. در زادگاه خویش فراگرفت و در سال ۱۳۳۰ ه. ق. به همراه پدرش به نجف عزیمت کرد و در حوزه عملیه تحصیل علم از تهذیب نفس و سیروس‌لوک معنوی غافل نبودند و با توجه به تیزهوشی، حافظه قوی و نبوغ خدادادی در سال ۱۳۵۲ ه. ق. به درجه اجتهاد نایل گردید و از اندک زمانی در رأس مرجعیت جهان شیعه قرار گرفت. آن دانشمند فرزانه در طول عمر پربرکت خویش صدها مجتهد تربیت کرد که بسیاری از شاگردان وی به مقام مرجعیت حوزه‌های علمیه نایل شدند. و بیش از ۳۴ عنوان کتاب در علوم مختلف اسلامی از جمله فقه، اصول، تفسیر و رجال از ایشان بر جای مانده است. از جمله «البیان فی تفسیر القرآن»، «معجم رجال حدیث»، «منهاج الصالحین»، «مناسک حج»، «تعلیقه بر عروة الوثقی»، «حاشیه بر مکاسب»، «تعارض الاستصحابین»، «تکملة المنهاج» و....

این مرجع عالیقدر جهان تشیع در بسیاری از کشورهای جهان از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه، مؤسسه خیره و مراکز علمی زیادی تأسیس کردند که این مراکز نقش مهمی در گسترش معارف شیعی در آن کشورها داشته و دارند.

سرانجام این آفتاب درخشان فقاقت، پس از عمری تلاش در راه گسترش اسلام در سن ۹۷ سالگی، در روز شنبه ۸ صفر ۱۴۱۳ ه. ق. مصادف با ۱۷ مرداد ۱۳۷۱ غروب کرد (رحمت و رضوان خدا بر او باد). کتاب حاضر به نام مبانی تکملة المنهاج نیز از جمله تألیفات عالمانه ایشان است که تألیف آن در رمضان ۱۳۹۵ ق. پایان یافته است، ایشان در مقدمه کتاب فرموده‌اند: «زمانی که از تألیف کتاب تکملة المنهاج فارغ شدم، دیدم که پرداختن به مبانی احکام مذکور در این کتاب امری است مفید برای اهل علم و فضل و آنها نیازمند مراجعه به چنین کتابی هستند و به همین جهت تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتم و به رغم کثرت کارها و مشغله‌های ذهنی فراوان و ضعف

بدنی (کهولت سن) با لطف و توفیق خدای متعال، به این کار موفق شدم». شیوه مؤلف جلیل القدر به این صورت است که بعد از بیان هر مسئله و فتوایی، ابتدا نظر مشهور فقها و سایر نظرات را پیرامون آن مسئله بیان می‌کند، سپس در ذیل آن با استدلال متقن و موشکافانه عقلی و نقلی (آیات و روایات) به صورت مختصر و مفید، گاه نظر مشهور را می‌پذیرد و گاه آن را رد کرده و نظر خلاف آن را ارائه می‌فرمایند. در ترجمه نیز سعی بر آن شده تا در حد بضاعت اندک علمی، مطالب روان و با عبارات ساده و با رعایت امانت در نقل مطالب و پایبندی به متن اصلی کتاب، به خواننده منتقل شود. قضاوت در مورد اینکه تا چه حد در این امر توفیق حاصل شده با خوانندگان فهیم و اندیشمند است (لا یكلف الله نفساً الا وسعها) ذکر چند نکته را نیز لازم می‌دانم:

۱. مطالب مندرج بین کروشه [] توضیحات حقیر است که برای روشن تر شدن موضوع و یا توضیح برخی اصطلاحات بیان شده است.
۲. تقسیم‌بندی مطالب به بخش و فصل و گفتار و ذکر عنوان برای هر مسئله به گونه‌ای که در فهرست آمده است، در متن عربی نیست و این کار به جهت دسترسی آسان خواننده به مطالب مورد نظرش انجام گرفته است.
۳. توضیح اصطلاحات فقهی و اصولی در پایان کتاب و در برخی موارد در متن ذکر شده است.
۴. تطبیق مطالب کتاب بر اساس قوانین موجود و به‌ویژه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ با اصلاحات بعدی انجام گرفته است و در زمان نگارش این سطور لایحه جدید قانون مجازات اسلامی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده و هنوز به تصویب نرسیده است.
۵. شماره‌هایی که در متن بین هلالین () آمده است، مربوط به تطبیق آن مسأله با مواد قانونی است.
۶. علائم اختصاری عبارتند از: ۱- آ.د.ک = قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸. ۲- آ.د.م = قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱. ۳- ق.م.ا = قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸. ۴- ق.ت = قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱/۱۳. ۵- ق.م = قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۱/۱۸ در پایان لازم می‌دانم از استاد گرانقدر دانشکده حقوق دانشگاه تهران حضرت آیت‌الله عمید زنجانی که با رهنمودها و دیباچه وزین خویش، ترجمه حقیر را پربارتر فرمودند صمیمانه سپاسگذاری می‌نمایم. مترجم امید دارد که خوانندگان اندیشمند با ارشادهای خود در رفع نواقص این اثر، او را رهین منت خود قرار دهند (!)

فهرست

بخش اول: قضاوت

فصل اول: کلیات

۱. تعریف قضاوت و تفاوت آن با فتوی ۲۵
۲. قضاوت واجب کفایی است ۲۶ (مسئله ۱)
۳. اخذ اجرت بر قضاوت ۲۶ (مسئله ۲)
۴. اخذ اجرت بر کتابت ۲۷ (مسئله ۳)
۵. حرمت اخذ رشوه بر قاضی ۲۷ (مسئله ۴)
۶. قاضی تحکیم و قاضی منصوب و شرایط آن ۲۷-۲۹ (مسئله ۵)
۷. تعیین قاضی رسیدگی کننده با کیست؟ ۳۰ (مسئله ۶)
۸. شرایط قاضی ۳۱-۳۲ (مسئله ۷)
۹. جواز صدور حکم براساس علم قاضی ۳۲ (مسئله ۸)
۱۰. یقینی بودن دعوا شرط استماع آن ۳۲ (مسئله ۹)
۱۱. صور مختلف ادعای مالکیت بر یک مال ۳۳-۳۶ (مسئله ۱۰)
۱۲. عدم استماع بینه مدعی بعد از سوگند منکر ۳۶ (مسئله ۱۱)
۱۳. امتناع منکر از سوگند و رد آن به مدعی ۳۷ (مسئله ۱۲)
۱۴. نکول منکر از سوگند ۳۷ (مسئله ۱۳)
۱۵. لزوم سوگند خواهان در دعوای دین بر میت ۳۷ (مسئله ۱۴)
۱۶. کفایت بینه در دعوای عین بر میت ۳۸ (مسئله ۱۵)
۱۷. لزوم ضم سوگند به بینه در دعوای دین بر میت ۳۹ (مسئله ۱۶)
۱۸. عدم لزوم ضم سوگند در صورت اثبات دین میت با اقرار ورثه یا علم قاضی ۳۹ (مسئله ۱۷)
۱۹. اشکال در ثبوت دین علیه میت با یک شاهد و سوگند خواهان ۴۰ (مسئله ۱۸)
۲۰. عدم نیاز به سوگند استظهاری در دعوای دین بر صیتی، مجنون و غایب ۴۱ (مسئله ۱۹)
۲۱. عدم جواز رسیدگی مجدد به دعوایی که قبلاً رسیدگی شده ۴۱-۴۲ (مسئله ۲۰)

۲۲. جواز صدور حکم غیابی. ۴۲ (مسأله ۲۱)
 ۲۳. مطالبه حق فرد غایب توسط وکیلش. ۴۲-۴۳ (مسأله ۲۲)
 ۲۴. جواز حبس ممتنع از ادای دین. ۴۳ (مسأله ۲۳)

فصل دوم: احکام سوگند

۱. عدم صحت سوگند جز به الله و نامهای مقدس او. ۴۴ (مسأله ۲۴)
 ۲. جواز سوگند اهل کتاب به آنچه که اعتقاد دارند. ۴۴ (مسأله ۲۵)
 ۳. لزوم مباشرت در ادای سوگند. ۴۵ (مسأله ۲۶)
 ۴. عدم کفایت سوگند با توریه. ۴۶ (مسأله ۲۷)
 ۵. عدم اجرای احکام قضاوت بر کافر غیرکتابی. ۴۶-۴۷ (مسأله ۲۸)
 ۶. جواز سوگند در خارج از جلسه قضاوت. ۴۷ (مسأله ۲۹)
 ۷. جواز نقض سوگند یاد شده بر عدم سوگند، در مقام اثبات حق. ۴۷ (مسأله ۳۰)
 ۸. ادعای طلبکار بودن از میت و انکار وارث. ۴۸ (مسأله ۳۱)
 ۹. ادعای طلب از اموال بر جای مانده از میت، نزد ورثه. ۴۸ (مسأله ۳۲)
 ۱۰. طرح دعوای مالی علیه مملوک (برده). ۴۸-۴۹ (مسأله ۳۳)
 ۱۱. عدم جواز استناد به سوگند در باب حدود. ۴۹ (مسأله ۳۴)
 ۱۲. سقوط غرامت مالی با سوگند متهم به سرقت. ۴۹ (مسأله ۳۵)
 ۱۳. عدم سقوط حد سرقت با سوگند متهم. ۴۹ (مسأله ۳۵)
 ۱۴. دعوای فرد طلبکار از میت، علیه دیگری مبنی بر طلب میت از او. ۴۹-۵۰ (مسأله ۳۶)

فصل سوم: حکم سوگند به همراه یک شاهد

۱. ثبوت دعوای مالی با یک شاهد و سوگند خواهان. ۵۱ (مسأله ۳۷)
 ۲. ثبوت حق عینی و دینی با یک شاهد و سوگند خواهان. ۵۲ (مسأله ۳۸)
 ۳. دعوای ورثه مبنی بر تعلق مالی به مورث آنها با یک شاهد و سوگند. ۵۳-۵۴ (مسأله ۳۹)
 ۴. جواز اثبات حق صغیر با یک شاهد و سوگند ولی او. ۵۴ (مسأله ۴۰)
 ۵. ادعای وقفیت مال میت توسط برخی از ورثه و انکار توسط برخی دیگر از آنها. ۵۴-۵۵ (مسأله ۴۱)
 ۶. فوت وارث ممتنع از سوگند قبل از صدور حکم. ۵۵ (مسأله ۴۲)

فصل چهارم: تقسیم [اموال مشترک]

۱. جریان تقسیم در عین مشترک متساوی الاجزاء. ۵۶ (مسأله ۴۳)
 ۲. صور مختلف تقسیم عین مشترک غیرمتساوی الاجزاء. ۵۶-۵۷ (مسأله ۴۴)
 ۳. الزام به تقسیم در صورت مطالبه شریک و انواع تقسیم. ۵۷ (مسأله ۴۵)
 ۴. الزام به فروش مال غیرقابل تقسیم. ۵۸ (مسأله ۴۶)

۵. فروش مال مشترک توسط حاکم شرع و تقسیم بهای آن ۵۸ (مسئله ۴۷)
۶. تقسیم عقد لازم است ۵۹ (مسئله ۴۸)
۷. مستحق للغير درآمدن برخی از مال بعد از تقسیم ۵۹ (مسئله ۴۹)
۸. ظهور دین میت بعد از تقسیم ارث ۵۹ (مسئله ۵۰)

فصل پنجم: احکام دعاوی

۱. تعریف مدعی (خواهان) ۶۰ (مسئله ۵۱)
۲. لزوم بلوغ و عقل در مدعی و عدم لزوم رشد او ۶۰ (مسئله ۵۱)
۳. شروط استماع دعاوی خواهان ۶۱ (مسئله ۵۲)
۴. اگر خواهان، ولی یا نماینده صاحب حق باشد ۶۲ (مسئله ۵۳)
۵. جواز تقاضا از اموال مدیون در برخی موارد ۶۲-۶۴ (مسئله ۵۴)
۶. جواز تقاضا از غیرجنس حق ۶۴ (مسئله ۵۵)
۷. عدم جواز تقاضا به مال بیشتر از حق ۶۴ (مسئله ۵۵)
۸. کراهت تقاضا از ودیعه ۶۴ (مسئله ۵۶)
۹. جواز توکیل برای تقاضا ۶۴-۶۵ (مسئله ۵۷)

فصل ششم: دعاوی مالکیت

۱. ادعای مالکیت مال بلاصاحب ۶۶ (مسئله ۵۸)
۲. صور مختلف نزاع دو نفر درباره مالکیت یک مال ۶۶-۷۳ (مسئله ۵۹)
۳. ادعای مالکیت مالی که در دست دیگری است و اقرار خوانده ۷۳ (مسئله ۶۰)
۴. صور مختلف ادعای مالی که فعلاً در دست دیگری است ۷۳ (مسئله ۶۱)
۵. تعارض بینه با قاعده ید ۷۴-۷۵ (مسئله ۶۱)
۶. ید، اماره مالکیت است ۷۵ (مسئله ۶۱)

فصل هفتم: اختلاف در عقود

۱. اختلاف زوجین در نوع عقد نکاح (دائم یا موقت) ۷۶ (مسئله ۶۲)
۲. ادعای زوجیت زن از سوی مردی غیر از همسر ۷۷ (مسئله ۶۳)
۳. ادعای دو مرد بر زوجیت زنی و انکار او ۷۷-۷۸ (مسئله ۶۴)
۴. اختلاف متعاقدين در هبه یا بیع بودن عقد واقع شده ۷۸ (مسئله ۶۵)
۵. اختلاف متعاقدين در اجاره یا عاریه بودن عقد ۷۹ (مسئله ۶۶)
۶. اختلاف متعاقدين در قرض یا ودیعه بودن مال ۷۹-۸۰ (مسئله ۶۷)
۷. اختلاف در ودیعه یا رهن بودن مال سپرده شده ۸۰-۸۲ (مسئله ۶۸)
۸. اتفاق طرفین در رهن و اختلاف آنها در میزان دین ۸۲ (مسئله ۶۹)

۹. اختلاف طرفین در بیع یا اجاره بودن عقد واقع شده ۸۲-۸۳ (مسأله ۷۰)
۱۰. اختلاف بایع و مشتری در میزان ثمن ۸۳ (مسأله ۷۱)
۱۱. ادعای مشتری مبتنی بر وجود شرط در عقد ۸۴ (مسأله ۷۲)
۱۲. اتفاق متعاقدين در میزان ثمن و اختلاف آنها در میزان مبیع ۸۴ (مسأله ۷۳)
۱۳. اتفاق طرفین در وقوع عقد اجاره و اختلاف در میزان اجاره بها ۸۴-۸۵ (مسأله ۷۴)
۱۴. ادعای خرید یک مال از سوی دو نفر ۸۵-۸۶ (مسأله ۷۵)
۱۵. ادعای بردگی طفل یا فرد بالغ ۸۶-۸۷ (مسأله ۷۶)
۱۶. ادعای همزمان دو نفر بر بردگی و فرزندى طفل ۸۷ (مسأله ۷۷)
۱۷. ادعای مالکیت دو نفر بر مالی که در دست طرف مقابل است ۸۸ (مسأله ۷۸)
۱۸. اختلاف زوجین یا ورثه آنها در مالیکت چیزی ۸۸-۸۹ (مسأله ۷۹)
۱۹. ادعای پدرزن مبتنی بر عاریه بودن برخی از وسایل نزد دخترش ۹۰-۹۱ (مسأله ۸۰)

فصل هشتم: دعوای میراث

۱. وارث کافر و اختلاف در تقدم و تأخر اسلام او بر مرگ مورث مسلمان ۹۲-۹۳ (مسأله ۸۱)
۲. اثبات اسلام فرزند کافر قبل از فوت مورث ۹۳ (مسأله ۸۲)
۳. ادعای وارث مبتنی بر تعلق یک مال به مورث او ۹۳-۹۴ (مسأله ۸۳)
۴. اختلاف در تقدم و تأخر مرگ مادر نسبت به مرگ فرزند او ۹۴ (مسأله ۸۴)
۵. حکم قاضی ظاهری است نه واقعی ۹۵ (مسأله ۸۵)

بخش دوم: شهادات

فصل اول: شرایط شهادات

۱. شرط بلوغ و عدم جواز شهادت کودکان جز در موارد خاص ۱۰۰-۱۰۱
۲. شرط عقل و ایمان در شاهد ۱۰۱
۳. عدم پذیرش شهادت غیرمسلمان علیه مسلمان، جز در وصیت ۱۰۲-۱۰۷
۴. شرط عدالت شاهد و کیفیت احراز آن ۱۰۷-۱۰۹
۵. شرط عدم تهمت و موارد ردّ شهادت متهم (مانند شریک و...) ۱۰۹-۱۱۳
۶. ظهور فسق شهود بعد از صدور حکم ۱۱۳ (مسأله ۸۶)
۷. دشمنی دینی مانع پذیرش شهادت نیست برخلاف دشمن دنیوی ۱۱۳-۱۱۴ (مسأله ۸۷)
۸. قرابت نسبی مانع قبول شهادت نیست ۱۱۴-۱۱۵ (مسأله ۸۸)
۹. جواز شهادت زوجین، علیه یا له یکدیگر ۱۱۶ (مسأله ۸۹)
۱۰. جواز پذیرش شهادت دوست به نفع دوستش ۱۱۷ (مسأله ۸۹)
۱۱. عدم پذیرش شهادت گدای حرفه‌ای ۱۱۷ (مسأله ۹۰)

۱۲. تحمل شهادت در زمان وجود مانع (کفر و...) و ادای شهادت بعد از رفع آن ۱۱۸-۱۱۹ (مسأله ۹۱)
۱۳. جواز پذیرش شهادت مهمان و اجیر بعد از مفارقت ۱۱۹-۱۲۰ (مسأله ۹۲)
۱۴. جواز پذیرش شهادت مملوک ۱۲۴-۱۲۰ (مسأله ۹۳)
۱۵. جواز پذیرش شهادت داوطلبانه (تبرعی) شاهد ۱۲۶-۱۲۴ (مسأله ۹۴)
۱۶. عدم پذیرش شهادت زنزاده ۱۲۷-۱۲۶ (مسأله ۹۵)
۱۷. لزوم ادای شهادت براساس دیدن و شنیدن (نه حدس) ۱۳۰-۱۲۸ (مسأله ۹۶)
۱۸. عدم جواز شهادت به مضمون ورقه‌ای که آن را فراموش کرده ۱۳۱-۱۳۲ (مسأله ۹۷)

فصل دوم: موارد قابل اثبات از طریق شهادت (و تعداد شهود لازم)

۱. ثبوت نکاح، وقف، ملکیت و نسبت از راه استفاضه ۱۳۴-۱۳۳ (مسأله ۹۸)
۲. راه ثبوت زنا - لواط، مساحقه و سایر جنایات موجب حد ۱۳۶-۱۳۴ (مسأله ۹۹)
۳. راه ثبوت طلاق خلع و وصیت عهدی ۱۳۸-۱۳۶ (مسأله ۱۰۰)
۴. عدم ثبوت، طلاق، خلع، نسبت، حدود، وصیت عهدی و با شهادت زنان ۱۳۸-۱۳۶ (مسأله ۱۰۰)
۵. ثبوت دین، نکاح و دیه با شهادت یک مرد و دو زن ۱۳۸ (مسأله ۱۰۱)
۶. عدم ثبوت غصب - وصیت عهدی و عقود معاوضی، رهن، وقف و... با یک مرد و دو زن ۱۴۰-۱۳۸ (مسأله ۱۰۱)
۷. ثبوت دعاوی مالی (دین و عین) با یک شاهد و سوگند خواهان ۱۴۱ (مسأله ۱۰۲)
۸. ثبوت دیون مالی با شهادت دو زن و سوگند خواهان ۱۴۱ (مسأله ۱۰۲)
۹. ثبوت بکارت، رضاع و عیوب باطنی زنان با شهادت زنان به تنهایی ۱۴۲ (مسأله ۱۰۳)
۱۰. تصدیق ادعای زن مبنی بر نداشتن شوهر و انقضای عده ۱۴۳-۱۴۲ (مسأله ۱۰۴)
۱۱. ثبوت یک چهارم موصی به، با شهادت یک زن ۱۴۳ (مسأله ۱۰۵)
۱۲. ثبوت ولادت طفل با شهادت ماما و هر زنی غیر از او ۱۴۴-۱۴۳ (مسأله ۱۰۵)
۱۳. شهادت زنان بر ارث ۱۴۶-۱۴۴ (مسأله ۱۰۵)
۱۴. عدم لزوم گرفتن شاهد در عقود و ایقاعات جز در طلاق وظهار ۱۴۶ (مسأله ۱۰۶)
۱۵. استحباب گرفتن شاهد در عقد نکاح، بیع و دین ۱۴۸-۱۴۷ (مسأله ۱۰۶)
۱۶. وجوب ادای شهادت در صورت درخواست ۱۴۹ (مسأله ۱۰۷)
۱۷. ادای شهادت واجب عینی است (نه کفایی) ۱۴۹ (مسأله ۱۰۸)
۱۸. وجوب ادای شهادت، در جایی است که تحمل آن به درخواست صاحب حق باشد ۱۴۹ (مسأله ۱۰۹)
۱۹. وجوب تحمل شهادت در صورت عدم ضرر ۱۵۰ (مسأله ۱۱۰)

فصل سوم: شهادت بر شهادت (شهادت فرع) و موارد آن

۱. پذیرش شهادت فرع در حقوق الناس ۱۵۱ (مسأله ۱۱۱)
۲. عدم پذیرش شهادت فرع در حدود الهی ۱۵۱ (مسأله ۱۱۱)

۳. جواز شهادت بر شهادت فرع و بالاتر ۱۵۲ (مسأله ۱۱۲)
۴. عدم ثبوت حدّ زنا با شهادت فرع ۱۵۳ (مسأله ۱۱۳)
۵. ثبوت شهادت، با شهادت دو مرد عادل ۱۵۳ (مسأله ۱۱۴)
۶. پذیرش شهادت فرع، حتی در صورت دسترسی به شاهد اصلی ۱۵۳-۱۵۴ (مسأله ۱۱۵)
۷. انکار شاهد اصلی، بعد از شهادت فرع ۱۵۴ (مسأله ۱۱۶)
۸. وحدت موضوع شهادت شرط پذیرش شهادت شهود ۱۵۶-۱۵۵ (مسأله ۱۱۷)

فصل چهارم: فسق یا رجوع شاهد از شهادت

۱. فاسق شدن شاهد بعد از ادای شهادت ۱۵۸-۱۵۷ (مسأله ۱۱۸)
۲. رجوع شاهد در حق مالی قبل یا بعد از صدور حکم ۱۶۰-۱۵۹ (مسأله ۱۱۹)
۳. رجوع شاهد از شهادت در حدود، قبل و بعد از صدور حکم ۱۶۱-۱۶۰ (مسأله ۱۲۰)
۴. عدم پذیرش شهادت مجدد بعد از رجوع از آن ۱۶۲ (مسأله ۱۲۱)
۵. رجوع یک شاهد در زنا بعد از اجرای حکم ۱۶۲ (مسأله ۱۲۲)
۶. حرمت شهادت دروغ و آثار مترتب بر آن ۱۶۴-۱۶۳ (مسأله ۱۲۳)
۷. رجوع دو شاهد در طلاق و ضمان آنها ۱۶۵ (مسأله ۱۲۴)
۸. شهادت دروغ بر طلاق و آثار آن ۱۶۶-۱۶۵ (مسأله ۱۲۵)
۹. رجوع شاهد در طلاق بعد از ازدواج زن با مرد دیگر ۱۶۷-۱۶۶ (مسأله ۱۲۶)
۱۰. رجوع شاهد از شهادت در حق مالی بعد از صدور حکم ۱۶۸-۱۶۷ (مسأله ۱۲۷)
۱۱. رجوع شاهد مازاد بر تعداد لازم ۱۶۸ (مسأله ۱۲۸)
۱۲. رجوع شاهد واحد منضم به سوگند خواهان یا تکذیب سوگند ۱۶۹ (مسأله ۱۲۹)
۱۳. کشف فسق شهود بعد از صدور حکم ۱۷۱-۱۶۹ (مسأله ۱۳۰)

فصل پنجم: شهادت بر وصیت *

۱. تعارض شهادت شهود بر وصیت متوفی و رجوع از آن ۱۷۲ (مسأله ۱۳۱)
۲. شهادت شهود بر دو وصیت مختلف ۱۷۳-۱۷۲ (مسأله ۱۳۲)
۳. شهادت شاهد بر وصیت و شهادت شاهد دیگر بر رجوع از آن وصیت ۱۷۳ (مسأله ۱۳۲)
۴. اقامه بینه بر عدول موصی از یکی از دو وصیتش ۱۷۳ (مسأله ۱۳۳)
۵. تطبیق با مواد قانونی ۱۸۱-۱۷۴

بخش سوم: قصاص

فصل اول: قصاص نفس و موارد ثبوت آن

۱. ثبوت قصاص با قتل عمدی نفس محترمه ۱۸۴ (مسأله ۱)

۲. موارد تحقق قتل عمد ۱۸۵-۱۸۴ (مسأله ۱)
۳. لزوم احراز رابطه علیت بین فعل ارتكابی و مرگ مقتول ۱۸۶-۱۸۵ (مسأله ۲)
۴. مرگ ناشی از انداختن فرد در آتش یا آب دریا ۱۸۶ (مسأله ۳)
۵. ترک مداوا از سوی مقتول ۱۸۶ (مسأله ۴)
۶. مرگ ناشی از سرایت جراحت با عدم قصد قتل ۱۸۷ (مسأله ۵)
۷. افتادن عمدی از بلندی بر روی کسی و قتل او ۱۸۸ (مسأله ۶)
۸. قتل از طریق سحر و جادوگری ۱۸۸ (مسأله ۷)
۹. قتل بوسیله دادن غذای مسموم ۱۸۸-۱۸۹ (مسأله ۸)
۱۰. قتل از طریق افتادن در چاه عمیق ۱۸۹ (مسأله ۹)
۱۱. مرگ ناشی از مداوای با داروی سمی ۱۹۰ (مسأله ۱۰)
۱۲. قتل از طریق پرتاب کردن فرد از بلندی ۱۹۱-۱۹۰ (مسأله ۱۱)
۱۳. قتل از طریق تحریک سگ درنده و یا مار گزنده به سوی فرد ۱۹۱ (مسأله ۱۲)
۱۴. شرکت حیوان با انسان در قتل ۱۹۲-۱۹۱ (مسأله ۱۳)
۱۵. قتل ناشی از طعمه حیوان قرار دادن فرد ۱۹۲ (مسأله ۱۴)
۱۶. قتل از طریق پرتاب فرد در چاه ۱۹۳-۱۹۲ (مسأله ۱۵)
۱۷. معاونت در قتل بصورت امساک ۱۹۳ (مسأله ۱۶)
۱۸. دستور قتل کسی را دادن ۱۹۴ (مسأله ۱۷)
۱۹. اکراه در قتل و صور مختلف آن ۱۹۵-۱۹۴ (مسأله ۱۷)
۲۰. دستور دادن برده به قتل کسی ۱۹۶-۱۹۵ (مسأله ۱۸)
۲۱. اذن در قتل توسط مقتول ۱۹۷ (مسأله ۱۹)
۲۲. خودکشی در اثر دستور یا تهدید دیگری ۱۹۸-۱۹۷ (مسأله ۲۰)
۲۳. اکراه و تهدید به صدمه مادون نفس ۱۹۹ (مسأله ۲۱)
۲۴. اکراه فرد به بالا رفتن از کوه یا پایین رفتن از چاه و مرگ در اثر سقوط ۱۹۹ (مسأله ۲۲)
۲۵. قتل بوسیله شهادت دروغ ۲۰۰-۱۹۹ (مسأله ۲۳)
۲۶. قطع سر مجروح در حالت وجود یا عدم حیات مستقره ۲۰۱-۲۰۰ (مسأله ۲۴)
۲۷. قتل بوسیله قطع دست یا پای فرد ۲۰۱ (مسأله ۲۵)
۲۸. ایجاد جراحت به قصد قتل توسط دو نفر و مرگ در اثر یکی از جراحات ۲۰۲-۲۰۱ (مسأله ۲۶)
۲۹. مرگ در اثر سرایت زخم ناشی از قطع دست ۲۰۲ (مسأله ۲۷)
۳۰. تداخل یا عدم تداخل دیه جراحت در دیه نفس ۲۰۵-۲۰۲ (مسأله ۲۸)
۳۱. شرکت در قتل و حکم آن ۲۰۵ (مسأله ۲۹)
۳۲. کیفیت تحقق شرکت در قتل ۲۰۷-۲۰۶ (مسأله ۳۰)

۳۳. شرکت حیوان با انسان در قتل ۲۰۷ (مسأله ۳۱)
 ۳۴. شرکت پدر در قتل فرزندش ۲۰۸ (مسأله ۳۲)
 ۳۵. شرکت مسلمان با کافر در قتل کافر ذمی ۲۰۸ (مسأله ۳۲)
 ۳۶. شرکت در جراحات مادون نفس ۲۰۹ (مسأله ۳۳)
 ۳۷. شرکت دو زن یا بیشتر در قتل مرد ۲۰۹-۲۱۰ (مسأله ۳۴)
 ۳۸. شرکت مرد و زن در قتل یک زن ۲۱۰ (مسأله ۳۵)
 ۳۹. لزوم تقدّم ردّ تفاضل دیه توسط ولی دم بر قصاص قاتل ۲۱۰ (مسأله ۳۶)
 ۴۰. شرکت قاتل عمدی و قاتل خطایی در قتل ۲۱۱ (مسأله ۳۷)
 ۴۱. شرکت فرد آزاد و برده در قتل عمدی فرد آزاد ۲۱۱-۲۱۲ (مسأله ۳۸)
 ۴۲. شرکت برده و زن در قتل عمدی فرد آزاد ۲۱۲ (مسأله ۳۹)

فصل دوم: شروط قصاص نفس

- شرط اول: لزوم تساوی در آزادی و بردگی** ۲۱۳
۱. جواز قصاص در قتل عمدی مرد آزاد توسط آزاد دیگر ۲۱۳ (مسأله ۴۰)
 ۲. جواز قصاص زن آزاد در قتل عمد زن آزاد دیگر ۲۱۴ (مسأله ۴۱)
 ۳. عدم ثبوت قصاص در قتل غیر عمدی و ثبوت دیه در آن ۲۱۴ (مسأله ۴۲)
 ۴. عدم جواز قصاص فرد آزاد در قتل عمدی برده یا کنیز ۲۱۴-۲۱۷ (مسأله ۴۳)
 ۵. اختلاف مولای عبد و قاتل در قیمت عبد در روز قتل ۲۱۷ (مسأله ۴۴)
 ۶. عدم قصاص مولا در قتل عمدی برده اش جز در صورت عادت به قتل بردگان ۲۱۷-۲۱۸ (مسأله ۴۵)
 ۷. قتل عبد مکاتب توسط مرد یا زن آزاد ۲۱۸-۲۲۰ (مسأله ۴۶)
 ۸. قصاص عبد به جهت قتل عمدی فرد آزاد (حرّ) ۲۲۰-۲۲۱ (مسأله ۴۷)
 ۹. قتل عمدی مولا توسط برده یا کنیزش ۲۲۱ (مسأله ۴۸)
 ۱۰. قصاص عبد مکاتب به جهت قتل فرد آزاد ۲۲۱-۲۲۲ (مسأله ۴۹)
 ۱۱. قتل خطایی فرد آزاد توسط برده یا کنیز ۲۲۲-۲۲۴ (مسأله ۵۰)
 ۱۲. قتل خطایی آزاد یا برده توسط عبد مکاتب ۲۲۴ (مسأله ۵۱)
 ۱۳. قتل عمدی برده و کنیز توسط برده دیگر ۲۲۴-۲۲۶ (مسأله ۵۲)
 ۱۴. قتل عمدی عبد مکاتب توسط عبد دیگر ۲۲۶ (مسأله ۵۳)
 ۱۵. قتل عمدی کنیز یا برده توسط کنیز دیگر ۲۲۶ (مسأله ۵۴)
 ۱۶. قتل عمدی عبد توسط عبد مکاتب ۲۲۷-۲۲۸ (مسأله ۵۵)
 ۱۷. قتل عبد مکاتب توسط مکاتب دیگر که مقداری از او آزاد شده ۲۲۸ (مسأله ۵۶)
 ۱۸. قتل خطایی برده توسط برده دیگر ۲۲۸-۲۲۹ (مسأله ۵۷)
 ۱۹. قتل برده، توسط برده دیگر متعلّق به همان مولا ۲۲۹ (مسأله ۵۸)

۲۰. قتل عمدی دو یا چند نفر توسط یک نفر (قاتل واحد و مقتولین متعدد) ... ۲۳۰-۲۲۹ (مسئله ۵۹)
۲۱. قتل عمدی دو نفر آزاد توسط یک برده ... ۲۳۱-۲۳۰ (مسئله ۶۰)
۲۲. قتل عمدی دو یا چند برده توسط یک برده ... ۲۳۲-۲۳۱ (مسئله ۶۱)
۲۳. قتل عمدی برده مشترک بین دو نفر، توسط یک برده ... ۲۳۲ (مسئله ۶۲)
۲۴. شرکت دو یا چند برده در قتل عمدی یک برده ... ۲۳۳ (مسئله ۶۳)
۲۵. آزاد کردن برده بعد از ارتکاب قتل عمدی یا خطایی فرد آزاد ... ۲۳۴-۲۳۳ (مسئله ۶۴ و ۶۵)
- شرط دوم [از شرایط قصاص]: تساوی در دین ... ۲۳۴**
۱. عدم قصاص مسلمان در مقابل قتل عمدی کافر ... ۲۳۵-۲۳۴
 ۲. قتل مرد یا زن ذمی توسط کافر ذمی دیگر ... ۲۳۶ (مسئله ۶۶)
 ۳. قتل عمدی مسلمان توسط کافر ذمی ... ۲۳۷-۲۳۶ (مسئله ۶۷)
 ۴. مسلمان شدن قاتل بعد از قتل عمدی کافر ... ۲۳۷ (مسئله ۶۸)
 ۵. ثبوت قصاص در قتل عمدی زنارزاده ... ۲۳۷ (مسئله ۶۹)
 ۶. معیار در ثبوت یا عدم قصاص، زمان وقوع جنایت است ... ۲۳۷ (مسئله ۷۰)
 ۷. مسلمان شدن مجنی علیه قبل از مرگ ... ۲۳۷ (مسئله ۷۰)
 ۸. بلوغ فرد صغیر بعد از ارتکاب قتل یا جرح ... ۲۳۸ (مسئله ۷۱)
 ۹. مسلمان شدن کافر یا مرتد قبل از برخورد تیر پرتاب شده ... ۲۳۸ (مسئله ۷۲)
 ۱۰. آزاد شدن برده بعد از پرتاب تیر و قبل از برخورد به او ... ۲۳۸ (مسئله ۷۳)
 ۱۱. ارتداد مجنی علیه بعد از قطع دستش و مرگ او ... ۲۳۹ (مسئله ۷۴)
 ۱۲. قتل کافر ذمی توسط مرتد ... ۲۴۰-۲۳۹ (مسئله ۷۵)
 ۱۳. مرتد شدن مسلمان قبل از مرگ مجنی علیه کافر ... ۲۴۰ (مسئله ۷۶)
 ۱۴. قتل مرتد توسط کافر ذمی یا مسلمان ... ۲۴۰ (مسئله ۷۷)
 ۱۵. کشتن قاتل عمد، توسط کسی غیر از ولی دم مقتول ... ۲۴۰ (مسئله ۷۸)
 ۱۶. کشتن کسی که قتل او واجب بوده، توسط غیر امام (ع) ... ۲۴۱-۲۴۰ (مسئله ۷۹)
 ۱۷. قتل صغیر توسط بالغ (جواز یا عدم جواز قصاص در آن) ... ۲۴۱ (مسئله ۸۰)
- شرط سوم [برای قصاص قاتل]: انتفاء ابوت بین قاتل و مقتول ... ۲۴۲**
۱. عدم قصاص پدر و پدربزرگ به جهت قتل عمدی فرزندش ... ۲۴۳-۲۴۲
 ۲. ادعای فرزندی مقتول توسط قاتل ... ۲۴۴-۲۴۳ (مسئله ۸۱)
 ۳. فرزند حق قصاص پدرش را به جهت قتل عمدی مادرش، ندارد ... ۲۴۵-۲۴۴ (مسئله ۸۲)
 ۴. قتل عمدی پدر و مادر توسط دو برادر و جواز قصاص یکدیگر ... ۲۴۵ (مسئله ۸۳)
- شرط چهارم: این است که قاتل، عاقل و بالغ باشد ... ۲۴۵**
۱. عدم جواز قصاص مجنون و لزوم پرداخت دیه از سوی عاقله او ... ۲۴۵

۲. جنون قاتل بعد از ارتکاب قتل عمدی (مسأله ۸۴)
۳. عدم جواز قصاص صغیر (مسأله ۸۵)
۴. اختلاف ولی دم و جانی در مورد بلوغ (قاتل یا جارج) (مسأله ۸۶)
۵. عدم قصاص عاقل در مقابل قتل عمدی مجنون (مسأله ۸۷)
۶. قتل دیوانه توسط عاقل به جهت دفاع مشروع (مسأله ۸۸)
۷. قتل در حال مستی (مسأله ۸۹)
۸. ارتکاب قتل عمدی توسط فرد نابینا و عدم قصاص او (مسأله ۹۰)
- شرط پنجم: قصاص محقون الدم بودن مقتول** (مسأله ۹۱)
۱. عدم ثبوت قصاص بر قتلی که شرعاً جایز باشد (مسأله ۹۲)
۲. قتل زوجه در حال ارتکاب زنا (مسأله ۹۳)
- فصل سوم: ادعای قتل و راه‌های اثبات آن** (مسأله ۹۴)
۱. لزوم عقل و بلوغ در مدعی قتل و عدم لزوم رشد (مسأله ۹۵)
۲. امکان ارتکاب قتل از سوی متهم، شرط استماع دعوای قتل (مسأله ۹۶)
۳. ادعای قتل علیه گروهی ناشناس به همراه یک فرد معین (مسأله ۹۷)
۴. طرح دعوای قتل بدون تعیین نوع آن (عمد یا غیر عمد) (مسأله ۹۸)
۵. ادعای قتل علیه دو نفر بصورت جداگانه (مسأله ۹۹)
۶. طرح دعوای قتل عمد و تفسیر آن به خطا (مسأله ۱۰۰)
- گفتار اول - اقرار و شرایط مقرر** (مسأله ۱۰۱)
۱. یک مرتبه اقرار برای اثبات قتل کافی است (مسأله ۱۰۲)
۲. بلوغ عقل، اختیار و آزاد بودن، در اقرار، شرط است (مسأله ۱۰۳)
۳. اقرار ورشکسته و سفیه به قتل همدا خطا (مسأله ۱۰۴)
۴. اقرار همزمان دو نفر به قتل فرد، یکی به عمد و دیگری به خطا (مسأله ۱۰۵)
۵. اقرار دو نفر به قتل عمدی یک نفر و رجوع نفر اول از اقرارش (مسأله ۱۰۶)
- گفتار دوم - بینه یا شهادت شهود** (مسأله ۱۰۷)
۱. تعریف بینه (مسأله ۱۰۸)
۲. عدم ثبوت قصاص با شهادت زنان بر قتل (مسأله ۱۰۹)
۳. ثبوت دیه در قتل با شهادت زنان (مسأله ۱۱۰)
۴. شهادت باید براساس حس و مشاهده باشد (مسأله ۱۱۱)
۵. عدم ملازمه بین شهادت بر فعل کشنده و ثبوت رابطه استناد آن با مرگ (مسأله ۱۱۲)
۶. عدم مغایرت در محتوای شهادت شهود، شرط پذیرش آن (مسأله ۱۱۳)
۷. عدم ثبوت قتل با یک شاهد و یک شهادت بر اقرار (مسأله ۱۱۴)

۸. شهادت بر اقرار به قتل بدون ذکر نوع آن (مسأله ۱۰۳)
 ۹. شهادت متهمان به قتل، علیه دو شاهد مبنی بر قاتل بودن شهود (مسأله ۱۰۴)
 ۱۰. پذیرش شهادت فرد به نفع کسی که بعداً از او ارث خواهد برد (مسأله ۱۰۵)
 ۱۱. شهادت عاقله قاتل بر فقدان عدالت در شهود قتل (جرح شهود) (مسأله ۱۰۶)
 ۱۲. تعارض دو بینه بر قاتل بودن متهم (مسأله ۱۰۷)
 ۱۳. تعارض بینه و اقرار در معرفی قاتل (مسأله ۱۰۸)
 ۱۴. صحت عفو از قصاص قبل از ثبوت قتل عمد (مسأله ۱۰۹)
- گفتار سوم - قسامه**
۱. سومین راه اثبات قتل قسامه است (مسأله ۱۱۰)
 ۲. در صورت وجود لوث، متهم باید بر بی‌گناهی خود بینه بیاورد (مسأله ۱۱۰)
 ۳. لزوم قسامه از سوی مدعی، در صورت لوث و عجز متهم از ارائه بینه (مسأله ۱۱۰)
 ۴. ثبوت قسامه در مورد زن (مسأله ۱۱۱)
 ۵. کمیت و تعداد قسامه و تکرار سوگندها (مسأله ۱۱۴-۱۱۲)
 ۶. سقوط دعوای قتل در صورت سوگند نخوردن مدعی (مسأله ۱۱۵)
 ۷. ثبوت قسامه در صدمات مادون نفس و تعداد آن (مسأله ۱۱۶)
 ۸. عدم ثبوت قسامه در جایی که مقتول کافر و متهم مسلمان باشد (مسأله ۱۱۷)
 ۹. کشف جسد مقتول در یک روستا (یا محله) و ضمان اهالی آن (مسأله ۱۱۸)
 ۱۰. کشف جسد در یک مکان عمومی و پر از دحام و ضمان بیت‌المال (مسأله ۱۱۹)
 ۱۱. لزوم مطابقت بین ادعای مطرح شده و سوگند مدعی (مسأله ۱۲۰)
 ۱۲. طرح دعوای قتل علیه دو نفر بطور مردّد (و غیرمعین) (مسأله ۱۲۱)
 ۱۳. دعوای شرکت در قتل علیه دو نفر، بدون بینه (مسأله ۱۲۲)
 ۱۴. طرح دعوای قتل عمد علیه دو نفر و وجود لوث در مورد یکی از آنها (مسأله ۱۲۳)
 ۱۵. غیبت برخی از اولیاء دم مقتول و (مسأله ۱۲۴)
 ۱۶. صغیر بودن برخی از اولیاء دم (مسأله ۱۲۴)
 ۱۷. اختلاف اولیاء دم مقتول در تعیین قاتل (مسأله ۱۲۵)
 ۱۸. مرگ ولی دم در بین سوگندها و جانشینی ورثه او (مسأله ۱۲۶)
 ۱۹. اقرار فردی به قتل، بعد از اجرای قسامه (مسأله ۱۲۷)
 ۲۰. احراز بی‌گناهی متهم بعد از قسامه و اجرای مجازات بر او (مسأله ۱۲۸)
 ۲۱. بازداشت موقت متهم به قتل (مسأله ۱۲۹)

فصل چهارم: احکام و کیفیت استیفای قصاص نفس

۱. مجازات اصلی در قتل عمد قصاص است نه دیه ۲۸۷ (مسأله ۱۳۰)
۲. جواز تبدیل قصاص به دیه با تراضی ولی دم و قاتل ۲۸۷-۲۸۹ (مسأله ۱۳۰)
۳. تعذر قصاص به جهت فرار یا مرگ قاتل ۲۸۹ (مسأله ۱۳۱)
۴. حکم فراری دهنده قاتل عمد ۲۸۹ (مسأله ۱۳۲)
۵. دارندگان حق قصاص قاتل ۲۹۰ (مسأله ۱۳۳)
۶. لزوم یا عدم لزوم اذن امام (ع) برای قصاص قاتل ۲۹۱ (مسأله ۱۳۴)
۷. جواز قصاص قاتل توسط یکی از اولیاء دم ۲۹۱-۲۹۳ (مسأله ۱۳۵ و ۱۳۶)
۸. اگر مقتول مسلمان و ولی دم او کافر باشند ۲۹۴ (مسأله ۱۳۷)
۹. عدم جواز مثله قاتل و لزوم اجرای قصاص با شمشیر ۲۹۴ (مسأله ۱۳۸)
۱۰. جواز توکیل برای اجرای قصاص توسط ولی دم ۲۹۵ (مسأله ۱۳۹)
۱۱. لزوم تودیع سهم صغار و ولی دم غایب در صورت اجرای قصاص ۲۹۵ (مسأله ۱۴۰)
۱۲. صغیر یا مجنون بودن برخی از اولیاء دم ۲۹۵ (مسأله ۱۴۱)
۱۳. ادعای عفو قاتل توسط یکی از اولیاء دم مقتول ۲۹۵-۲۹۶ (مسأله ۱۴۲)
۱۴. جواز قصاص قاتل یا عفو او از سوی مجبور ۲۹۶ (مسأله ۱۴۳)
۱۵. لزوم پرداخت دیون مقتول از دیه او توسط اولیاء دم ۲۹۶-۲۹۷ (مسأله ۱۴۴)
۱۶. مدیون بودن مقتول در قتل غیر عمد، و عدم جواز عفو از دیه او ۲۹۷-۲۹۸ (مسأله ۱۴۵)
۱۷. تعدد مقتولین در قتل عمد ۲۹۸ (مسأله ۱۴۶)
۱۸. تعیین وکیل برای اجرای قصاص و عزل او قبل از اجرا ۲۹۸-۲۹۹ (مسأله ۱۴۷)
۱۹. عدم جواز قصاص زن باردار قبل از وضع حمل او ۲۹۹ (مسأله ۱۴۸)
۲۰. کشف باردار بودن زن پس از قصاص او ۳۰۰-۲۹۹ (مسأله ۱۴۹)
۲۱. قطع دست یک نفر و قتل شخص دیگر توسط قاتل و نحوه قصاص او ۳۰۱-۳۰۰ (مسأله ۱۵۰)
۲۲. سرایت جنایت بعد از قصاص قاتل ۳۰۱ (مسأله ۱۵۱)
۲۳. سرایت جراحت در جانی و مجنی علیه و مرگ هر دو ۳۰۲ (مسأله ۱۵۲)
۲۴. ثبوت حق قصاص برای ولی دم بعد از مرگ مجنی علیه ۳۰۳-۳۰۴ (مسأله ۱۵۳)
۲۵. قتل شخصی که فقط یک دست داشته ۳۰۴ (مسأله ۱۵۴)
۲۶. نجات قاتل از قصاص و ضربات وارد شده توسط ولی دم ۳۰۴-۳۰۵ (مسأله ۱۵۵)

فصل پنجم: قصاص اعضا و شروط آن

۱. ثبوت قصاص در صدمات عمدی ۳۰۶ (مسأله ۱۵۶)
۲. کودک و مجنون قصاص نمی شوند ۳۰۷ (مسأله ۱۵۷)
۳. پدر در مقابل صدمات عمدی به فرزند، قصاص نمی شود ۳۰۷ (مسأله ۱۵۷)

گفتار اول - لزوم تساوی در آزاد و برده بودن ۳۰۷

۴. عدم جواز قصاص فرد آزاد در مقابل صدمه به برده ۳۰۷ (مسأله ۱۵۷)
۵. مجروح شدن فرد آزاد توسط برده ۳۰۷-۳۰۸ (مسأله ۱۵۸)
۶. مجروح شدن برده توسط آزاد ۳۰۸-۳۰۹ (مسأله ۱۵۹)
۷. آزاد شدن برده بعد از قطع دستش توسط فرد آزاد ۳۰۹-۳۱۰ (مسأله ۱۶۰)
۸. قطع پای برده بعد از آزاد شدن او ۳۱۰ (مسأله ۱۶۱)

گفتار دوم - لزوم تساوی در دین ۳۱۰

۹. عدم قصاص عضو فرد مسلمان در برابر کافر ۳۱۰
۱۰. قطع عضو زن توسط مرد و رسیدن به ثلث دیه ۳۱۱-۳۱۰ (مسأله ۱۶۲)
۱۱. مصدوم شدن مرد توسط زن ۳۱۱ (مسأله ۱۶۲)

گفتار سوم - تساوی اعضا در سلامت ۳۱۲

۱۲. لزوم یا عدم لزوم تساوی در سلامت اعضا در قصاص ۳۱۲-۳۱۳ (مسأله ۱۶۳)
۱۳. رعایت تساوی در چپ یا راست بودن اعضا در قصاص ۳۱۳-۳۱۴ (مسأله ۱۶۴)
۱۴. قطع دست کسی توسط جانی و فقدان دست در بدن جانی ۳۱۴-۳۱۵ (مسأله ۱۶۴)
۱۵. قطع دست چنین نفر توسط یک نفر ۳۱۵ (مسأله ۱۶۵)
۱۶. شرکت دو نفر در قطع دست کسی ۳۱۵ (مسأله ۱۶۶)

گفتار چهارم - ثبوت قصاص در جراحات ۳۱۵

۱۷. ثبوت قصاص در جراحات وارد شده به سر و صورت (شجاج) ۳۱۵ (مسأله ۱۶۷)
۱۸. لزوم اندازه گیری دقیق جراحت و رعایت تساوی آن در قصاص ۳۱۵ (مسأله ۱۶۷)
۱۹. تبدیل قصاص به دیه در جراحات غیر قابل اندازه گیری ۳۱۶ (مسأله ۱۶۸)
۲۰. تبدیل قصاص به دیه در صورت عدم امکان رعایت تساوی در قصاص ۳۱۶ (مسأله ۱۶۸)
۲۱. جواز قصاص جانی قبل از بهبودی مجنی علیه ۳۱۷ (مسأله ۱۶۹)
۲۲. فوت مجنی علیه در اثر سرایت زخم بعد از قصاص جانی ۳۱۷-۳۱۸ (مسأله ۱۶۹)
۲۳. کیفیت اجرای قصاص در جراحات ۳۱۸ (مسأله ۱۷۰)
۲۴. عدم جواز قصاص عضو در گرما یا سرمای شدید ۳۱۸ (مسأله ۱۷۱)
۲۵. جواز اجرای قصاص عضو با وسیله غیر آهنی ۳۱۸ (مسأله ۱۷۲)
۲۶. کوچک یا بزرگ بودن عضو بدن جانی و مجنی علیه و نحوه اجرای قصاص ۳۱۹ (مسأله ۱۷۳)
۲۷. پیوند عضو قطع شده به بدن، توسط مجنی علیه یا جانی بعد از قصاص ۳۱۹-۳۲۰ (مسأله ۱۷۴)
۲۸. سقوط حق قصاص به جهت پیوند عضو قطع شده قبل از قصاص جانی ۳۲۰ (مسأله ۱۷۵)
۲۹. قصاص چشم اعور (مرد یک چشم) ۳۲۱ (مسأله ۱۷۶)
۳۰. از بین بردن چشم اعور توسط مردی که دو چشم سالم دارد ۳۲۱-۳۲۲ (مسأله ۱۷۷)

۳۱. از بین بردن بینایی چشم (نه حذقه آن) (مسأله ۱۷۸)
۳۲. ثبوت قصاص در ابرو، ریش و موی سر (مسأله ۱۷۹)
۳۳. ثبوت قصاص در آلت تناسلی مرد (مسأله ۱۸۱ و ۱۸۰)
۳۴. ثبوت قصاص در بیضه‌های مرد (مسأله ۱۸۲)
۳۵. ثبوت قصاص در قطع آلت تناسلی زنان (مسأله ۱۸۳)
۳۶. عدم لزوم تساوی در کیفیت و کارایی اعضا، در قصاص (مسأله ۱۸۴)
۳۷. نحوه قصاص در قطع قسمتی از بینی (مسأله ۱۸۵)
۳۸. ثبوت قصاص در دندان و حکم رویدن مجدد آن (مسأله ۱۸۶)
۳۹. عدم ثبوت قصاص در دندان شیری کودک (مسأله ۱۸۷)
۴۰. رویش مجدد دندان مجنی علیه پس از قصاص جانی (مسأله ۱۸۸)
۴۱. عدم لزوم رعایت تساوی در محل و موضع در قصاص دندانها (مسأله ۱۸۹)
۴۲. عدم قصاص دندان و انگشت اصلی در برابر کندن دندان و انگشت اضافی (مسأله ۱۹۰)
۴۳. تبدیل قصاص به دیه در صورت فقدان عضو جهت قصاص (مسأله ۱۹۱)
۴۴. قطع دست سالم فرد توسط کسی که فاقد انگشتان است (مسأله ۱۹۲)
۴۵. قطع انگشت و سرایت آن به کف دست (مسأله ۱۹۳)
۴۶. قطع دست از مچ یا آرنج و نحوه قصاص آن (مسأله ۱۹۴)
۴۷. ثبوت قصاص انگشت اضافی در مقابل انگشت اضافی (مسأله ۱۹۵)
۴۸. قطع دست چپ جانی به قصاص دست راست مجنی علیه (مسأله ۱۹۶)
۴۹. مرگ مجنی علیه در اثر قطع دست و انکار رابطه سببیت توسط جانی (مسأله ۱۹۷)
۵۰. قطع انگشت دست کسی و قطع تمام دست فرد دیگر بعد از آن (مسأله ۱۹۸)
۵۱. عفو مجنی علیه از قصاص عضو و سرایت جراحت به عضو دیگر (مسأله ۱۹۹)
۵۲. عدم سقوط قصاص نفس و دیه آن در صورت عفو مجنی علیه قبل از مرگ (مسأله ۲۰۰)
۵۳. مرگ جانی در اثر اجرای قصاص عضو و حکم آن (مسأله ۲۰۱)
۵۴. جواز یا عدم جواز قصاص جانی در حرم الهی (مسجد الحرام) (مسأله ۲۰۲)
۵۵. جواز قصاص جانی در مرقد پیامبر (ص) و سایر ائمه علیهم السلام (مسأله ۲۰۲)
- تطبیق بخش سوم (قصاص) با مواد قانون مجازات اسلامی
- واژه‌ها و اصطلاحات فقهی
- فهرست منابع و مآخذ